

عخلايت

آيا بالاخره در ايران ما هم اخلاق و عقل به هم مي رسند؟



دکتر رضا ابوتراب

نويسنده و نوروپولوژیست

➔

دکتر من داروهای تشنجم را می خورم ولی روی سرم هم زالومی اندازم، از نظر شما کار بدی که نمی کنیم؟ آیا من به عنوان یک پزشک وقتی می دانم رالودرمانی برای درمان تشنج، کاری غیرعلمی است؛ باز هم می توانم به بیمار بگویم ضرر که ندارد زالودرمانی هم بکن، یا این کاری است غیراخلاقی؟ آیا واکسن نزدن با وجود این همه فکت علمی علیه آن، فقط کاری شخصی و غیرعقلانی است یا افزایش شیوع بیماری در جامعه تبدیل به کاری غیراخلاقی هم می شود؟ عقلانیت و اخلاق کجا به هم می رسند؟ استیون پینکر در کتاب «عقلانیت» می گوید، راز پیشرفت دنیای مدرن، همین رسیدن این دود به یکدیگر است. او معتقد است، بسیاری از پیشرفت های اخلاقی دنیای مدرن مثل لغو برده داری، تساهل دینی، صلح جهانی و برابری زن و مرد، نه فقط بر پایه ی انگیزه های اخلاقی، بلکه بر ستون های استدلال های عقلانی و حساب و کتاب سودوزیان بنا شده اند. آتش زدن مرتدان در اروپا، امروزه نه تنها غیر اخلاقی، بلکه دیوانگی محض است در حالی که تا همین چند صد سال پیش نه تنها عملی اخلاقی، بلکه عقلانی هم بود. پینکر با بررسی شواهد تاریخی شرح می دهد، آن چیزی که سوزاندن مرتدان را متوقف کرد، در واقع بحث هایی بود که بین خود کشیشان دربارۀ غیرعقلانه بودن این کار در گرفت؛ نه دلسوزی و دل رحمی آنها برای مرتدان، وقتی کالوین، کشیش متعصب و قدرتمند مسیحی، کار را به جایی رساند که اعلام کرد همه مسیحیان- به جز پیروان او- مرتد هستند، مسیحی معتقد دیگری به نام کاستلیو، با یک استدلال عقلانی و نه اخلاقی، توانست نظر بسیاری از متعصبان ۵۰۰ سال پیش را نسبت به آتش زدن مرتدان تغییر دهد. او استدلال کرد که هم کالوین، هم مخالفان اش به راه شان یقین دارند و هر دوی به کلام خدا استناد می کنند و قاضی ای هم که هر دو طرف او را قبول داشته باشند، فعلاً وجود ندارد؛ پس اگر حقیقت برای هر دوی گروه اینقدر روشن است، بطور می توان گفت کدام طرف می برد است، پس بهتر است تا معلوم شدن حقیقت، اجرای حکم ارتداد را تعلیق کنیم. در واقع استدلال او سبب شد که کار غیر اخلاقی آتش زدن مرتدان، تا زمان فهم عقاقلانه ارتداد تعلیق شود. پینکر می گوید، حتی لغو برده داری هم بیشتر حاصل بحث های فلسفی درباره بسط قانون اساسی آمریکا دربارۀ آزادی و برابری و همه ساکنین آمریکا از جمله برده ها و حساب و کتاب عقلانی زمین دار درباره بازدهی کم برده داری در مزارع بود تا بیداری وجدان اخلاقی برده داران! همانطور که برابری زن و مرد هم بیشتر ناشی از حساب کردن روی نیروی کار زن ها برای کار خانه ها بود (اجالب اینکه ریشه لاتین کلمۀ عقلانیت rationality به ratio یا نسبت است که مفهومی ریاضی است). پینکر می گوید، جنگ که در قدیم نه تنها کاری غیر اخلاقی بلکه کاری باشکوه و خردمندانه بود، فقط وقتی تبدیل به چیزی غیر اخلاقی شد که متحرکان مدرنیته، عقلانی بودن و سودآوری آن را به صورت منطقی زیر سوال بردند و سرمایه داران متوجه شدند که در صلح، بیش از جنگ می شود ثروت جمع کرد. در واقع اخلاقی تر شدن دنیای مدرن، بیشتر حاصل عقلانی تر شدن آن است تا بیداری وجدان اخلاقی مردم اینپکر می گوید، گرچه اثبات رابطه علت و معلولی بین عقلانی تر شدن و اخلاقی تر شدن جهان از نظر علمی ممکن نیست؛ زیرا، نه عالم آزمایشگاه است، نه آدم ها موش آزمایشگاهی، ولی لایق آن می توانیم ببینیم که در این ۱۰۰ سال با افزایش عقلانیت در دنیا دیگر، نه کسی برده است، نه زنده زنده در آتش سوزانده می شود و نه جنگ و غارت دیگر افتخار محسوب می شود. حالا لطفاً با این دید به دنیایی که در آن زندگی می کنیم نگاهی دیگر بیاندازید! آیا تراب و ممدانی که ماه ها به هم فحش می دادند، بعد از تمام شدن رقابت، رفاقت می کنند؛ چون آدم های با فرهنگ و اخلاقی ای هستند یا اینکه حساب و کتاب میلیاردی شهر نیویورک است که آنها را مجبور به پیروی از عقلانیت می کند، چرا با وجود همه این تناقضات عجیب در رفتار این دو نفر، هیچ کدام از این دو از طرف هواداران دوازده خودشان متهم به بی اخلاقی نمی شوند؟ شاید چون همانطور که پینکر می گوید، فارغ از زیات آدم ها، عقلانیت نه تنها دشمن اخلاق نیست بلکه دوست آن است. دنیای مدرن جایی است که آدم های اخلاقی بدون اینکه خجالت زده شوند، می توانند به آدم های ظاهر آبی اخلاقی رای دهند؛ اگر فکر کنند با این کار عاقلانه تر کشورشان اداره می شود. پینکر می گوید، باور های غیرعقلانی بدون توجه به اخلاقی یا غیر اخلاقی و ون نیات صاحبان شان، راهی جز عقلانی شدن ندارند و اخلاقی تر شدن دنیا در گرو عقلانی تر شدن آن است. او باور دارد که اگر مقصد و مقصود اخلاق، کاهش رنج آدم ها است؛ وسیله آن عقلانیت است. حالا به ایران خودمان نگاه کنید! آنهایی که هرگز فکرش را نمی کردیم، حالا اجبار کردن حجاب یا فیلترینگ را عاقلانه نمی دانند؛ بدون اینکه به بحث کردن درباره اخلاقی بودن مسئله علاقه ای داشته باشند. آیا این می تواند آغاز راهی روشن باشد؟ آیا بالاخره در ایران ما هم اخلاقی و عقل در تقاطع عقلانیت به هم می رسند؟ آیا در این نامیدی، امیدی هست؟

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمد جواد روح
- معاون سردبیر: مهرداد خدیر
- دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایسنا

نشانه سازی فرهنگی

چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر با محوریت بازنمایی و جوه انسانی و شاعرانه سینمای ایران در شیراز در حال برگزاری است

گروه فرهنگ: جشنواره بین المللی فیلم فجر از چهارشنبه در شیراز در حال برگزاری است. دوره چهل و سوم این رویداد سینمایی از پنجم آذرماه شروع شده و تا دوازدهم این ماه ادامه دارد. جشنواره ای که حالا به میانه هایش رسیده و واکنش ها به آن تاکنون مثبت بوده است. سینماگران و فیلمسازانی از کشورهای مختلف به شیراز رفته اند تا فیلم های شان را به نمایش بگذارند و با سینمای ایران نیز آشنا شوند. از برنامه های نمایش روزانه فیلم ها، کیفیت برگزاری، حضور میهمانان خارجی و استقبال از جشنواره، چنین پیداست که جشنواره در این دوره تا حدود زیادی به استانداردهای یک جشنواره بین المللی فیلم نزدیک شده است.

جشنواره جهانی فجر امسال چهار بخش رقابتی اصلی شامل «مسابقه بین الملل»، «جلوه گاه شرق»، «چشم انداز» و «زیتون شکسته» دارد و بخش غیر رقابتی نیز دارای سده دسده: «مرور فیلم های مرمت شده و شاعرانه سینمای ایران»، «مرور سینمای ترکیه» و «جشنواره جشنواره ها» است. در بخش رقابتی، ۲۱ فیلم از ۱۶ کشور و در بخش غیر رقابتی، ۴۷ فیلم از رنگ ها، نژادها، زبان ها و فرهنگ های مختلف به نمایش در می آیند. جشنواره با نمایش نسخه مرمت شده فیلم «از بر ختان زیتون»، از آثار ماندگار عباس کبیراستمی آغاز شد و تا اینجا که روز چهارم جشنواره است، علاوه بر نمایش روزانه فیلم ها، در بخش جنبی هم کارگاه ها و نشست های تخصصی برگزار می شود. برای مثال در دومین روز، کارگاه عکس با حضور آلفرد یعقوب زاده، عکاس ایرانی و فرانسوی که داور بخش عکس و ویدئو جشنواره است، برگزار شد. یا اینکه امروز قرار است در نشست هایی تخصصی، فیلم هایی مانند «چانگ آن، شی آن»، «آن سوی خط های آهن» و «تل هیزم» نقد و بررسی شوند و علاقه مندان در کارگاهی با موضوع «سینمای شاعرانه یونان» شرکت کنند.

➤ تلاش برای کسب اعتبار بین المللی

جشنواره جهانی فیلم فجر چهل و سوم، بر خلاف سال های گذشته، امسال به صورت مستقل از جشنواره ملی فجر برگزار می شود. بعد از تجربه ای چهار ساله از ادغام و یکسال برگزار نشدن بخش بین الملل، امسال جشنواره به صورت مستقل برگزار می شود. اقدامی که خود گامی مهم در مسیر حرفه ای سازی و کسب اعتبار جشنواره میان فیلمسازان و سینماگران جهانی است. دست اندکاران این دوره از جشنواره، استراتژی شان را متناسب با همین هدف طراحی کرده اند. در دوره چهل و سوم جشنواره فیلم هایی از فرهنگ ها، زبان ها و نژادهای مختلف به نمایش در می آید. آثاری که آن طور که دبیر جشنواره گفته، برای ساخت زیست جهان تلاش می کنند. انتخاب مضمون سینمای شاعرانه را باید تلاش برای جهت دهی به مضامین و پیام های خاص فرهنگی جشنواره قلمداد کرد که امضای فرهنگی متفاوتی برای سینمای ایران می سازد و آن را از سایر جشنواره هایی که بیشتر بر جنبه های تجاری یا تکنیکی تأکید دارند، متمایز می کند. موضوع دیگر، سیاست گذاری انتخاب فیلم ها در این دوره از جشنواره است. چنین به نظر می رسد که در جشنواره چهل و سوم، هیئت های انتخاب و داور ی به آثاری توجه دارند که عسق، خلاقیت و دیدگاه هنری بالاتری دارند؛ نه فروش در گیشه یا توجه به مسائل فنی و تکنیکی. چنین رویکردی، سطح هنری و اعتبار بین المللی جشنواره را نیز به تدریج بالاتر می برد. از وجهی دیگر، از جاع به سینمای انسانی و شاعرانه با نام هایی چون عباس کبیراستمی گره خورده که خودشان اعتبار جهانی دارند. بازگشت به این نگاه، احترام به سنت های سینمای مؤلف ایرانی و جهانی است و نگاه منتقدان بین المللی را جلب می کند. نمایش فیلم «زیر در ختان زیتون» در افتتاحیه با نمایش فیلم های مرمت شده کارگردان های نام آوری چون علی حاتمی، ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی و... در همین راستاست.

➤ سینما نباید فدای سیاست شود

جشنواره جهانی فیلم فجر در دوره اخیر، مشخصاً تلاش دارد که از یک ویتترین نمایش سالانه فیلم به ابتکاری فکری و هنری، برای تأمل درباره سینما و پیوند سینمای جهان با ریشه های فرهنگی ایران دعوت کند. رویکردی که اگر پی گرفته شود، اعتبار و جایگاه جشنواره فجر را در سطح بین المللی تثبیت می کند و به یک نشان فرهنگی ماندگار تبدیل می شود. با این حال موانع رسیدن به چنین جایگاهی نیز به آسانی به دست نمی آید. نمونه اش جنجال ها

و حاشیه ها روزهای اخیر درباره حضور نوری بیگلر جیلان، کارگردان ترکیه ای برنده نخل طلا، به عنوان رئیس هیئت داوران در جشنواره جهانی فیلم فجر است. تا آنجا که او با انتشار بیانیه ای، به انتقادها درباره حضورش پاسخ داد. اواسط هفته گذشته انجمن فیلمسازان مستقل ایران (IIFMA) در نامه های سرگشاده از جیلان خواسته بود، درباره حضورش در جشنواره بین المللی فیلم فجر بازنگری کند. این انجمن که رئیس آن کاوه فرنام، تهیه کننده مقیم دوبی است، مدعی شده: «حضور جیلان، به طور مؤثر تصاویری را که دولت می خواهد از وضعیت فرهنگی کشور ارائه دهد، تقویت می کند». جیلان اما با انتشار بیانیه ای نوشت که مخالف تحریم جشنواره و محروم کردن مردم از تماشای فیلم هاست. در متنی که جیلان در اختیار ویرایتی قرار داده، به سابقه جشنواره فجر اشاره شده و آمده است: «جشنواره فیلم فجر حداقل ۴۰ سال است که برگزار می شود. مثل بسیاری از فیلمسازان دیگر، من بارها به این جشنواره آمده ام. در اینجا با آنتوا آنجلوپولوس ملاقات کردم و از هیئت داوران «بلاتار» جایزه دریافت کردم. ایران، جامعه ای پویا و سینمایی برجسته دارد که من از آن بسیار آموخته ام.» او اضافه کرده است: «تحریم یک جشنواره، به عنوان شکلی از مقاومت قابل فهم است، اما محروم کردن مردم محلی از تماشای فیلم ها یا چنین فرصت هایی- به هر دلیلی- به نوعی مجازات آن هاست و به نظر من درست نیست. هر جشنواره ای تحت تأثیر پویایی های سیاسی پیچیده شکل می گیرد. در جهان امروز تقریباً هیچ جشنواره ای بدون حمایت قابل توجه دولت وجود ندارد. اما رد شرکت به دلایل سیاسی، به نظر من فدا کردن هنر در برابر سیاست است. اگر بخواهیم جشنواره ها، گناهان دولت ها را بر دوش بکشند، تعداد کمی جشنواره در جهان از تحریم ها مصون می ماند.»

➤ بازنمایی و جوه سینمای ایران

انتخاب شیراز به عنوان میزبان چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر نیز در راستای اعتبار بخشی به سینمای ایران است. شیراز هویت فرهنگی و تاریخی غنی دارد و با پیشینه شاعرانه اش در جهان نماد هنر و ادبیات شناخته می شود. این ویژگی، پیوند طبیعی و مناسبی با هویت جشنواره ایجاد می کند و به نظر می رسد، فرصتی برای بازآفرینی و تقویت جایگاه مستقل این رویداد در تقویم سینمایی بین المللی است. برگزاری جشنواره بین المللی فیلم فجر در چنین فضای، علاوه بر ارتقای اعتبار سینمای ایران، اقدامی عملی در جهت مقابله با ایران هراسی و تلاش های سازمان یافته و هماهنگ برای انزوای فرهنگی کشور است. از منظر دیپلماسی فرهنگی، حضور سینمای ایران در شیراز و تعامل آن با جهانیان، فرصتی برای ترویج و تثبیت روایت مستقل و بی واسطه از سینمای ایران و بازسازی تصویر معشوش و تحریف شده ای از آن است. سینمای ایران همواره به موضوعات انسانی و اجتماعی شاعرانه و معنادر در جهان شناخته می شود و طی دهه ها، شهرت و اعتبار خود را از این راه گرفته است. در سال های اخیر اما به دلایل عیدیه ای، کمتر به این موضوعات توجه شده است. انتخاب شیراز که زادگاه شاعران پرآوازه ای چون سعدی و حافظ است و سبقه فرهنگ غنی دارد، زمینه ای ممتاز برای بازنمایی این جوه سینمای ایران از فراهم می کند. کماینکه زیرساخت ها و امکانات شهری این شهر، به ویژه پردیس های سینمایی مدرن و تجهیزات فنی به روز، این اطمینان را ایجاد می کند که جشنواره ای بین المللی با مباحرا و استانداردهای جهانی و در بالاترین سطح برگزار شود. اگر چه گزارش ها حاکی از برگزاری مطلوب دوره کنونی جشنواره است، اما نکته مهم، استمرار این مسیر و تلاش برای شناسایی و رفع نقاط ضعف و تقیصه ها برای دوره های آتی است. تلاش هایی برای تاسیس دبیرخانه دائمی جشنواره در شهر صورت گرفته و آن طور که استاندار فارس خبر داده، توافق های اولیه در این زمینه صورت گرفته است. این تحول فرصت مناسبی برای تثبیت جایگاه جشنواره بین المللی فیلم فجر در میان جشنواره های سطح اول جهانی را فراهم می کند و آن آسو، جهانیان را به بازاندیشی در مؤلفه های فرهنگی و انسانی سینمای ایران دعوت می کند. برگزاری جشنواره در شهری مانند شیراز با هر نامی- خواه فجر باشد یا نامی مستقل- ضرورتی اجتناب ناپذیر است که هویت هنری و فرهنگی سینمای ایران را در برابر فشار های سیاسی و اقتصادی از گردن و آسیب در امان نگه می دارد و باید به آن توجه کرد.

روزنامه

www.hammihanonline.ir

چهره

معادی در جشنواره مراکش

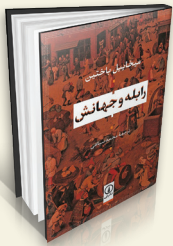
جشنواره بین المللی فیلم مراکش، جشنواره ای ۲۵ ساله است که هر ساله با هدف ترویج هنرهای سینمایی، گسترش تبادل فرهنگی و ارائه تصویری مثبت از این کشور برگزار می شود. ابتکار برگزاری این جشنواره از پادشاه مراکش، محمد ششم و به توصیه تهیه کننده فرانسوی، دانیل دو پلانتیه بود و در این مدت بسیاری از شخصیت های مشهور سینمایی، میهمان آن بوده اند. یکی از قاب های ماندگار این جشنواره، حضور هم زمان مارتین اسکورسیزی و لئوناردو دی کاپریو در جشنواره سال ۲۰۰۷ مراکش بود. امسال نیز این جشنواره با حضور داوری ایرانی، بیش از پیش مورد توجه رسانه های داخلی قرار گرفته است؛ زیرا پیمان معادی، بازیگر و کارگردان ایرانی به عنوان عضو هیئت داوران در کنار آنیا تیلور جوی، جنا اورنگا، سلین سون، جولیا دوکورنو، کریم عینوز و حکیم بلعباس قرار دارد. در رأس هیئت داوران، بونگ جون- هو، سینماگر مطرح کره ای حضور دارد و این گروه قرار است میان ۱۴ فیلم اول و دوم که در بخش مسابقه رسمی، با هدف کشف استعداد های تازه سینمای جهان به نمایش در می آیند، به داوری بنشینند.



کتابخانه

بازیابی رابه

میخائیل باختین، فیلسوف و متخصص روسی ادبیات، آثار تأثیرگذاری در حوزه نقد و نظریه ادبی نوشته است. به خصوص بحث هایی که درباره وضعیت کارناوالی ادبیات و چندصدایی مندرج در آثار ادبی دارد، در دهه های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از نظر باختین، موقعیت کارناوالی آکنده است از شوخی، تنوع، بازی، توجه به بدن و امور جسمانی، به رسمیت نشناختن حقانیت و جایگاه سلسله مراتبی صاحب منصبان سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و امثال آن و سربلچی از هنجار های فرهنگ رسمی. او این نشانه ها را در آثارش درباره داستایوفسکی و «رابله» نیز مورد توجه قرار می دهد. او در مورد «رابله» باختین بر این نظر است که اگرچه «رابله» شانی در اندازه شکسپیر و سروانتس دارد اما به اندازه کافی، قدر قلم او دانسته نشده است. باختین، برای جبران این کاستی، رابه را از چارچوب فرهنگ رسمی- جریان اصلی ادبیات والای فرانسه- بیرون می کشد و از نوپيوند آن را با تاریخ غنی و رنگارنگ فرهنگ عامیانه، برقرار می کند.



رابله و جهانش

نویسنده:

میخائیل باختین

ترجمه: محمد سپاهی

نشر: نی

تاریخ

پرفروش ترین آلبوم موسیقی تاریخ



۳۰ نوامبر ۱۹۸۲، ششمین آلبوم استودیویی خواننده آمریکایی مایکل جکسون، از طریق اپیک رکوردز منتشر شد و در عرصه هنری و تجاری به موفقیت هایی تکرار نشدنی دست یافت. این آلبوم برنده

تعداد رکورد شکن ۸ جایزه گرمی شد و فقط یکسال پس از انتشارش، لقب پرفروش ترین آلبوم تاریخ موسیقی جهان را نیز کسب کرد. همچنان و با گذشت بیش از چهار دهه، این آلبوم این مقام را با اختلاف ۱۵ میلیون نسخه نسبت به دومین آلبوم پرفروش (سیاه پوش برگشتم اثر ای سی/ دی سی)، حفظ کرده است. برآورد فروش جهانی ترپل تا امروز، بیش از ۷۰ میلیون نسخه است. ۴ آهنگ از ۹ آهنگ داخل این آلبوم، توسط خود مایکل جکسون سروده شده است. ضبط این آلبوم از آوریل تا نوامبر ۱۹۸۲ در استودیو وستلیک در لس آنجلس، با بودجه تولید ۷۵۰ هزار دلار صورت گرفت. جکسون با انتشار این آلبوم سدهای نژادپرستی را شکست، سبک های موسیقی را متحول کرد و ساختار موزیک ویدئوها را برای همیشه تغییر داد. رئیس جمهور وقت آمریکا، رونالد ریگان نیز به خاطر تقدیر از مایکل، او را به کاخ سفید دعوت کرد و موفقیت اش را «یک رویای آمریکایی محقق شده» نامید.